

به اعتباری پنج قسم دیگر از چهارده قسم را میتوان موجب اتمام کلمات فارسی دانست و بر چهار قسم بسیط مذکوره اضافه نمود:

- ۱ - مایه سنکین مانند: در (بکسر آخر) ۲ - پایه بهم بسته مانند: اگر
- ۳ - پایه کسیخته مانند: پای (بکسر آخر) ۴ - پایه بسیار مانند: نماز
- ۵ - بهم پیوسته مانند: گریست

بعضی از علماء عروض فواصل سه گانه را بعلت اینکه در عروض عربی مرکب است بحساب نیاورده برای دادن مثال شش قسم دیگر این مثال را، لم ار علی رأس جبل سمکة، بعربی و این مصراع را، گردل مرا خسته نکنی نه بروم، بفارسی گفته اند چون هر دو مثال ناقص است لهذا نگارنده مصراعى گفته ام که بترتیب حاوی تمام نه قسم میباشد و آن اینست:

۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

فصل سوم - افاعیل

گویند خلیل ابن احمد رحمه الله علیه علم عروض را وضع نمود و چون عرب زبان بود برای نشان دادن ترکیبات کلمات که از ترکیب آنها آهنگها پدید میشود بنای خود را بر مصدر فعل بمعنی (کردن) گذارده و برای نمایاندن اقسام کلمه ای که کرد آمدن آنها موجب پدید شدن آهنگهاست بناچار از باب فعل لغات بسیار وضع نموده و هر يك از آنها را برای نوعی علم کرده دیگران هم که این علم را از او اقتباس نموده اند عیناً همین لغات را بکار برده اند و چون انواع مشتقه از کلمه فعل بسیار است برای نمایاندن هر يك از اجزاء آن (از احویف و علل) نامی مانند: اهتم، اشتر، اذل، اخرج، مخفق، مکفوف و غیره که آموختن و دانستن و وجه تسمیه و بخاطر نگاه داشتن آن بسیار دشوار است نهاده اند نگارنده در مقابل کلمه فعل که با بحث سخن گفتن تناسبی ندارد فعل (گفتن) را که در خور سخن است و مشتقات آن نیز در همه جا مورد احتیاج و دارای معنی مستقلی است برگزیده برای رعایت (الفضل للمتقدم) و آنکه تقسیمات سابق معلوم باشد تقسیمات قدام را در فصل چهارم ذکر و همه جاد در مقابل ذکر هر يك از افاعیل عربی پارسی آنرا نگاشتم که هر کس هر کدام را بیسندد بکار برد.

ذکر کلیه از احیاف و وجه تسمیه آنها چون موجب تطویل کلام میشد در فصل پنجم اصطلاحات مخصوصه عروض معانی اصطلاحی و لغوی آنها را ذکر نمود و در فصل ششم با ترتیب جدولی کلیه افعال را که مشتق از کدام جزء اصلی فعل میباشند و مورد استعمال آنها و معانی لغوی آنها را و اینکه هر کدام از هر جزئی که مشتق شده اند چه نام خواهند داشت تاحدی که برای اطلاع خواننده لازم بنظر میرسید ذکر نمود کسانی که بخواهند بیش از این از شرح و بسط زحافات و علل آگاه شوند بکتاب المعجم فی معانی اشعار العجم مراجعه فرمایند.

فصل چهارم

مشتقات اصلی فعل در اشعار فارسی و عربی

۱ - مفعولاتن	یا	فعلن فاعل	چون	گفتی گویم
۲ - متفاعلن	،	فعلن فعل	،	بگه گفته گو
۳ - مفاعلتن	،	فعل فاعلتن	،	بگو که بگو
۴ - مفاعیلن	،	فعل فاعل	،	بگوئیمت
۵ - مستفعلن	،	فعلن فعل	،	گفتم بگو
۶ - فاعلاتن	،	فعل فاعلتن	،	بگویمت

قدماء چهار اصل دیگر نیز قابل شده اند

۱ - فاعلن	که خود جزوی است از فاعلاتن	چون	گویمت
۲ - فعولن	که جزوی است از مفعولن	،	بگویم
۳ - مفعولن	که جزوی است از مفعولاتن	،	گفتمت
۴ - مفاعلن	که جزوی است از مفاعیلن	،	بگویمت

پنا بر این مشتقات اصلی فعل شش نوع بیشتر نیست